



رویکرد تحلیلی به معماری پست مدرن سفید با ارزیابی آثار مطرح جهان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸

کد مقاله: ۱۵۸۳۳

ساجده بهشتی گرمی^{۱*}، سید علیرضا مقدسی^۲، مبینا نوابی^۳

چکیده

در سال ۱۹۷۲، با انزوای معماری مدرن و زمانی که منتقدین در انتظار افول این سبک بودند؛ پنج معمار به نام‌های پیتر آیزنمن، مایکل گریوز، چارلز گواتمی، جان هیداک و ریچارد میر؛ در پی نمایان کردن چهره‌ی دیگری از معماری مدرن بودند، که با الهام از سبک بین‌المللی پیش از جنگ و ساختمان‌های سفید رنگ لوکوربوزیه طراحی شده بود. این سبک در صدد زنده کردن مردم‌گرایی، تاریخ و فرهنگ در طرح‌های معماری بود. زندگی در عصر پست مدرنیسم مسئله‌ای است که شناخت ایدئولوژی و معماری این سبک را حائز اهمیت می‌سازد و در دستور کار این پژوهش قرار داده شده است. در پژوهش حاضر سعی بر این است که با روش توصیفی-تحلیلی و تدابیر تفسیری-تاریخی به معرفی و ارزیابی پست مدرن سفید از حیث ایدئولوژی و معماری پرداخته شود. گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از اسناد و متون تاریخی صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: معماری، پست مدرن، پست مدرن سفید، پنج معمار، ریچارد میر

۱- دانشجوی کارشناسی معماری داخلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب (نویسنده مسئول)
sajedehbeshti@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی معماری داخلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب

۳- دانشجوی کارشناسی معماری داخلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

۱- مقدمه

در آغاز قرن بیستم میلادی معماری مدرن با هدف ساخت بناهای کم هزینه و سریع و به پرچمداری لوکوربوزیه با شعار "خانه ماشینی است برای زندگی" اوج گرفت. بناهای این سبک به شکل یک مکعب سفید با پنجره‌های طویل و سرتاسری دیده می‌شود که خود را از روی زمین بلند می‌کنند. این سبک همواره به دنبال رهایی از سنت و فرهنگ بود و با بکارگیری مواد و مصالح جدید و تأکید بر سادگی، شفافیت و عدم تزئین، به دنبال خلق فضاهایی متفاوت از گذشته بود.

به نقل از چارلز جنکز ۱۵ ژوئیه ۱۹۷۲ ساعت ۱۵:۲۳ زمان مرگ معماری مدرن است. اصلی‌ترین علت شکست معماری مدرن، بی‌توجهی به نیازهای مردم در موضوعات مختلف بود. مدرنیسم به دنبال جهانی کردن تفکری است که هدف آن یکسان سازی تمام سازه‌ها در سراسر دنیا بود. نتیجه این سبک تحت شعاع قرار گرفتن تفکر مردم‌گرا و اقلیم مناطقی که معماری متأثر از معماری مدرن داشتند، بود. (قبادیان، ۱۳۹۳). همزمان با نابودی معماری مدرن، رابرت ونچوری آغازگر نگرشی جدید در معماری شد. نگاهی که در تلاش برای به وجود آوردن سبکی انسان محور بود. وی در سال ۱۹۷۷ کتاب "پیچیدگی و تضاد در معماری" را تألیف کرد و در این کتاب به زیرسوال بردن فلسفه معماری مدرن و پایه‌گذاری معماری پست مدرن پرداخت. نظر او بر این بود که معماری مدرن یک معماری تکنولوژی محور است که یک خصوصیت عام دارد و این خصوصیت در همه جای جهان یکسان است. از دیدگاه معماری نیز، پست مدرنیسم با توجه به فرهنگ، تاریخ، اقتصاد، اجتماع، آداب و رسوم، دین، اقلیم، هماهنگی با زمینه، طرز تفکر و... مردم یک منطقه قد علم می‌کند؛ تاریخ را به صورت امروزی ظاهر می‌کند و می‌تواند در عین حال تلفیقی از چند سبک باشد. (سرداری، ۱۴۰۰). نتیجتاً در پژوهش پیش رو پس از پرداختن مختصری به معماری مدرن و پست مدرن، معماری پست مدرن سفید تشریح و ساختمان‌های شاخص آن مفصلاً مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

۲- پیشینه و روش پژوهش

معماران پست مدرن سفید با نگاهی به گذشته و بناهای سفید مدرن، بر آن بودند که ساختمان‌هایی با قالبی امروزی‌تر و با در نظر گرفتن انسان محور بودن یک بنا، که از شاخصه‌های اصلی معماری پست مدرن است، طراحی کنند. در مقاله "بررسی مؤلفه‌های معماری نئو مدرن ریچارد میر در بناهای ایران معاصر" (نوشته دکتر نوید جهدی، دکتر آرش مصطفوی، دکتر جمال‌الدین سهیلی) اشاره جزئی به معماری پست مدرن سفید شده اما تمرکز اصلی این مقاله بر روی ریچارد میر و آثار معماری پست مدرن سفید در ایران است. همچنین در مقاله "بررسی رنگ سفید در معماری مدرن و نئومدرن" (نوشته مجتبی حجازی، سیدعلی مهدی-نیا طبری، گلنوش شیرچی) به طور عمده به ارزیابی رنگ سفید و ارتباط آن به معماری مدرن و پست مدرن پرداخته شده است. نسرین فتاحی در پژوهشی تحت عنوان "تفکرات و اندیشه‌های ریچارد مایر «کلیسای جویلی، موزه هنرهای معاصر بارسلونا»" به معرفی نظریات ریچارد میر پرداخته و در ادامه با بررسی دو نمونه موردی، مقایسه مختصری انجام داده است و همچنین در مقاله "مقایسه تطبیقی سبک‌های معماری پست مدرن سفید و پست مدرن خاکستری" (نوشته سینا فخری و دکتر مریم انصاری منش) تمرکز اصلی به قیاس دو شاخه خاکستری و سفید معماری پست مدرن است. در مقالات ذکر شده، معماری پست مدرن سفید به مثابه هسته اصلی یک پژوهش مورد ارزیابی و تحلیل جداگانه قرار نگرفته است. به همین جهت این پژوهش بر آن است تا به روش توصیفی-تحلیلی (روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به توصیف و تفسیر شرایط و روابط موجود می‌پردازد و وضعیت کنونی پدیده یا موضوع را مورد مطالعه قرار می‌دهد) و تدابیر تفسیری-تاریخی (این روش تحقیق نوعی از «تحقیق تفسیری» است که موضوع آن در گذشته روی داده است و به شباهت‌ها و تفاوت‌های روایت تاریخی و داستان، در پرداختن به روایت تاریخی می‌پردازد) به معرفی و ارزیابی پست مدرن سفید از حیث ایدئولوژی و معماری بپردازد. گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از اسناد و متون تاریخی صورت گرفته است تا به تحلیل و بررسی دقیقی از معماری پست مدرن سفید و آثار شاخص معماران آن بپردازد.

۳- مبانی نظری

۳-۱- مدرنیسم و معماری مدرن

از اواخر قرن نوزدهم و با آغاز مکتب شیکاگو، مدرنیسم با نگاهی رو به جلو و نفی گذشته وارد معماری شد و با ادامه یافتن این روند در قرن بیستم ساختمان‌های مکعبی شکل و سفید رنگ لوکوربوزیه جلوه‌گر شدند. بیشتر دانشمندان بر این عقیده‌اند که مدرنیسم در اواخر قرن نوزدهم شروع شد و به عنوان یک نیروی فرهنگی غالب تا اواسط قرن بیستم هم ادامه یافت، این جنبش را به عنوان مجموعه جنبش‌های هنری بین‌المللی در دوره ۱۹۴۰-۱۹۰۰ هم تعریف می‌کنند. مدرنیسم همانند همه دوران‌ها از همه جهات بشر را احاطه می‌کند و ارائه یک تعریف مجزا و یا کلی برای آن غیرممکن است.

و ویژگی‌های کلی آن عبارتند از تأکید بر زیباشناسی رادیکال تجربیات فنی، بازتابی بودن فرا زمانی، بازتابی بودن خودآگاهانه، جستجوی اعتمادپذیری، اصالت در روابط انسانی، هنر انتزاعی و مدینه فاضله، که این ویژگی‌ها به طور طبیعی در پست مدرنیسم وجود دارد. (چاپلدر، ۲۰۰۸). مدرنیسم، در میان دوران غرور آمیزش در دهه ۲۰ میلادی، یک جنبش خلاقانه و رسا بود که استعاره ماشینی را اقتباس کرد. لوکوربوزیه بیان کرد: "خانه، ماشینی برای زندگی است." در اینجا به یک مکعب سفید که بر روی لنداسکیپ اوج گرفته، با طبقه همکفی که با چرخش اتومبیل شکل گرفته بود، ترجمه شد. پله فرار عجیب غریب، با متفرجگاه معمارانه، تم-هایی بودند که در آینده توسط پست مدرنیسم‌ها اتخاذ شدند. (چنکز، ۱۳۹۸) والتر گروپیوس به شیوه‌ای مشابه اصرار دارد که ساختمان مدرن «باید صادق باشد، منطقی آشکار و بی‌شبهه و بری از دروغ‌ها و چیزهای بی‌ارزش». (شانده، ۱۹۶۵)

۳-۲- پست مدرنیسم و معماری پست مدرن

مشکلات عدیده و نقص‌های جریان مدرنیسم در معماری، به مرور منجر به زوال این سبک و تفکرات مرتبط با آن شد. جریان پست مدرنیته با رویکرد اصلاح‌گرایانه وارد معماری و حوزه‌های دیگر شد و به اصلاح اشکالات ناشی از مدرنیته پرداخت. بخش غالب آثار نظریه‌ی معماری مدرن دچار یک مشکل پایه‌ای هستند، دقیقاً به این دلیل که این نظریه حاضر نشده بین مسائل مربوط به حقایق و مسائل مربوط به ارزش تمایز قائل شود مهم‌تر از آن به این دلیل که حاضر نشده مسائل مربوط به فرم را به چیزی غیر از مفاهیم تغییرات اجتماعی و تکنولوژیک یا به واکاو‌های مربوط به سبک و زیبایی‌شناسی ارتباط دهد. (آیزنمن، گریوز، گواتمی، هیداک، میر، ۱۳۹۱). پست مدرنیسم را می‌توان فرآیندی دانست که تأکید بر شناخت واقعی جوامع و اقشار مختلف مردم و نیازها و خواسته‌های آنان دارد. از این دیدگاه، از اندیشمند انتظار می‌رود که برای تأثیرگذاری بر مردم و زندگی آنان، نه از طریق ذهنیت بریده از جهان هستی و تعمیم دادن آن به کل جهان، بلکه از راه خلق فرآورده‌ها و اندیشه‌هایی اقدام کند که ریشه در محیط جهان خارج و با مردم مورد نظر سختیت دارد. چنین نگرشی به تصویری رنگارنگ و چند وجهی از دنیا، به رابطه‌ای تنگاتنگ و به گفتمانی بین اندیشمندان و مردم می‌انجامد که مدرنیسم فاقد آن بوده است. پدیده پست مدرنیسم باید در بردارنده خصوصیت اجتناب از تجرید و تجردگرایی به مفهوم نادیده گرفتن مردم، شیوه زندگی معمول و عادی آنان و نیازهای واقعی ایشان باشد. در میان اندیشمندان پست مدرنیست می‌توان نظریه پردازانی را یافت که حامی و هوادار این طرز تفکرند. به عنوان مثال، یورگن هابرماس (۱۹۹۰) در طرح خود از پست مدرنیسم، مدرنیسم را سزاوار انتقاد می‌داند زیرا مدرنیسم به علت ماهیت فن‌گرا و تخصص‌گرای خود، از زندگی واقعی مردم جدا افتاده و در نتیجه فرهنگ روزمره مردم را یا به بوته فراموشی سپرده یا آن را پست و حقیر انگاشته و شیوه ستیز با آن را پیش گرفته است. نتیجه چنین انتقادی از مدرنیسم، رو آوردن به شناخت مردم، زندگی آنان و نیازهای واقعی فرهنگی، زیستی و عاطفی ایشان در قالب پست مدرنیسم خواهد بود. (پهین، ۱۳۸۰). پست مدرنیسم در معماری، در اواسط دهه ۱۹۷۰ از لحاظ کاربردی گستره وسیعی یافت. معمولی‌ترین تعریفی که درباره آن می‌توانیم ارائه دهیم این است که پست مدرن سبک التقاطی است که با استفاده از المان‌های ساختاری معماری دوره‌های مختلف، با توجه به علم روز شکل گرفت. به معماری پست مدرن معماری مردمی نیز گفته می‌شود؛ زیرا در این نوع معماری از احجام و تزئینات و رنگ‌هایی که مورد پسند عامه مردم است استفاده می‌شود. (اسمعیلی، شاطرزاده، ۱۳۹۷). بنای پست مدرن، بنایی است که دست کم خود را در برابر معماری مدرن در آن واحد در دو سطح مطرح می‌کند یکی برای معماران و گروه محدودی از علاقه‌مندان که به مفاهیم خاص معماری می‌پردازند و دیگری برای عموم مردم با ساکنان بومی که به سایر جنبه‌ها چون آسایش و سنت و طریقه‌ی زندگی... توجه دارند. (جودت، ۱۳۸۴)

دو سبک مدرن و پست مدرن علاوه بر تفاوت‌ها، شباهت‌هایی نیز به هم دارند و معماری پست مدرن از بعضی جنبه‌ها از معماری مدرن پیروی کرده است و باعث ایجاد شباهت بین آنها شده است. مثلاً از لحاظ توجه به تکنولوژی و استفاده از روزآمدترین وسایل و ابزارآلات ساختمان سازی جهت سهولت کار و مورد دیگر توجه به پیشرفت است. هر چند این جنبه در پست مدرن به صورت واضح لحاظ نشده است اما به شکل غیر قابل انکاری در این سبک دیده می‌شود. هم معماری مدرن و هم معماری پست مدرن در استفاده از تکنولوژی و صنعت و در شکل دادن به هویت ساختمان هم داستان هستند. معماری پست مدرن برخلاف معماری مدرن، به دنبال خلوص و سادگی نیست. جنبه دیگر شباهت، به نوعی توجه به نیاز است؛ هر چند در معماری مدرن عملکردگرایی هدف اصلی است تا به نیازها پاسخ داده شود و حتی نیازهای آرمانی به نیازهای فردی ارجحیت داده می‌شود، اما در پست مدرن، این توجه به نیاز فرد و جامعه هر دو با هم وارد می‌شود یعنی همان شعار پست مدرن‌ها که می‌گویند معماری نباید توسط یک نفر انجام شود بلکه افراد زیادی باید دخیل باشند. در عین حال مورد توجه و پسند مشتری نیز باشد. این یعنی توجه به نیاز و نوع درخواست افراد که در پست مدرن نیز به گونه‌ای شاهد آن هستیم؛ شباهت بعدی که میان این دو سبک می‌توان برشمرد جنبه مثبتی است که از معماری مدرن به معماری پست مدرن رسیده است و آن تکیه بر مدیریت و برنامه ریزی است که دوره مدرن را از سنتی جدا میکند. از لحاظ شباهت این دو سبک، می‌توان این تعبیر را به کاربرد که معماری پست مدرن گذاشته است؛ یعنی توجه به معماری مدرن و تکامل خود، جهت پاسخ به نیازهای تازه‌تر. معماری مدرن در معنای اصلی کلمه، گذر از تاریخ

و گذشته است، در حالی که در پست مدرن نوعی توجه نسبی به سنت و تاریخ هر فرهنگ و تمدن نیز وجود دارد. (بست، کلنر، ۱۹۹۷). هرگاه از معماری پست مدرن صحبت می‌شود منظور پست مدرن خاکستری است که بنیان‌گذار و معروف‌ترین معمار این سبک را رابرت ونچوری می‌دانند. به این علت این سبک را پست مدرن خاکستری می‌خوانند که نه سفید است نه سیاه بلکه التقاطی از موضوعات مختلف است. (قبادیان، ۱۳۹۳)

۳-۳- پست مدرن سفید

با زوال معماری مدرن و اوج‌گیری پست مدرنیسم در معماری، سبک دیگری با الهام از ساختمان‌های سفید لوکوربوزیه در فرم‌هایی متفاوت و با بهره‌گیری از تفکرات پست مدرنیسم، نظیر مردم‌گرایی جلوه‌گر شد که آن را پست مدرن سفید می‌نامند. زمانی که منتقدان منتظر مرگ سبک مدرنیسم بودند، در سمتی دیگر چهره جدیدی از معماری مدرن در حال شکل‌گیری بود. در سال ۱۹۶۹ جمعی از معماران همایشی را تحت عنوان «مجمع معماران در مطالعه محیطی» تشکیل دادند و در این همایش آثار انتزاعی و ملهم از جنبش مدرن را به نمایش گذاشتند. خروجی این نمایشگاه کتابی تحت عنوان «پنج معمار» بود که در آن به معرفی آثار پنج معمار نیویورکی که عبارتند از: پیتر آیزنمن، مایکل گریوز، چارلز گواتمی، جان هیداک و ریچارد میر می‌پردازد. (قبادیان، ۱۳۹۳)

معماران پست مدرن سفید در پی این مفهوم بودند که باید تفکرات غالب را تغییر داد و اصول و دیدگاه‌های جدیدی را به جامعه تزریق کرد. اما بر خلاف این نظریه معماران پست مدرن خاکستری معتقد بودند که نباید به فرهنگ و اعتقادات جامعه تعدی کرد و باید بر اساس آن‌ها پروژه‌ها را طراحی کرد؛ زیرا مردم این الگوها و نشانه‌ها را راحت‌تر پذیرش و درک می‌کنند. رابرت ونچوری حتی در این رابطه یک کتاب با عنوان «از لاس‌وگاس بیاموزیم» را به رشته تحریر درآورد که در آن، نشانه را برتر از معماری می‌داند و آن را ستایش می‌کند. معماران این دو سبک در موضوعی دیگر نیز با هم اختلاف نظر داشتند و آن برتری ایده بر تصویر یا بالعکس بود. معماران سفید ایده را برتر می‌دیدند، در حالی که معماران خاکستری تصویر را در اولویت قرار داده بودند. اما نقطه اشتراک کارهای این دو گروه را می‌توان تندیس‌گرایی دانست با اینکه در همین نقطه اشتراک نیز این معماران با هم تفاوت نظر دارند؛ سفیدها مایل به تندیس‌گرایی مفهومی هستند ولی خاکستری‌ها تندیس‌گرایی فرمالیستی را ترجیح می‌دهند. (فخری، انصاری منش، ۱۳۹۹)

رنگ سفید از عناصر اصلی پست مدرن سفید دانسته می‌شود تا حدی که به بخش جدایی‌ناپذیری از این سبک تبدیل شده و حتی جلد کتاب "پنج معمار" نیز با این رنگ عجبین شده است. چرایی استفاده از این رنگ در معماری مذکور را از زبان ریچارد میر می‌توان اینگونه یاد کرد: او می‌گوید، رنگ سفید فوق‌العاده ترین رنگ است. زیرا در درون آن می‌توان تمامی رنگ‌های رنگین‌کمان را دید. سفیدی رنگ سفید فقط سفید نیست و یا به سادگی فقط سفید نیست، این رنگ تقریباً همیشه در حال تغییر و تبدیل شدن توسط نور و تمامی تغییرات محیط خودش است. این رنگ دارای بیشترین قابلیت تغییر و تاثیرپذیری از حالت روشنایی و تغییرات محیط می‌باشد. فرم متغیر نبوده ولی رنگ سفید تغییر کرده و به صورت رنگ‌های مختلف دیده می‌شود. رنگ سفید می‌تواند وسیله‌ای برای نشان دادن هر چه بهتر خواص فرم باشد؛ پس اگر فرم تابع عملکرد باشد، می‌تواند بهترین حالت عملکرد یک بنا را به نمایش بگذارد. (حجازی، مهدی نیا طبری، شیرچی، ۱۳۹۴). رنگ سفید هم شکل و هم معنا است. در بطن تقسیمات لاینحل بین مدرنیسم و پست مدرنیسم قرار گرفته که در آن پتانسیل رنگ سفید بیشتر حس می‌شود. رنگ سفید هم در بطن و هم در خارج از بطن زبان است؛ بنابراین رنگ سفید می‌تواند از طریق عامل‌های قدرت در طراحی معماری و ارتباطات بصری هم بر خود و هم بر علیه خود به کار رود. (کانلان، ۲۰۱۲)

۳-۴- پنج معمار و آثار آن‌ها

آغازگران جنبش پست مدرن سفید در معماری، پنج معمار به نام‌های پیتر آیزنمن، مایکل گریوز، چارلز گواتمی، جان هیداک و ریچارد میر بودند که با نگارش کتابی به نام پنج معمار به معرفی آثار خود در این سبک پرداختند. این پنج نفر هیچ‌گاه یک گروه رسمی نبودند. پس از یک دوره کوتاه پیتر آیزنمن در اواخر دهه هفتاد به سمت سبک دیکانستراکشن رفت و ارتباط خود را با گروه پنج معمار قطع کرد. مایکل گریوز در اوایل دهه هشتاد با طراحی ساختمان شهرداری پرتلند به یکی از چهره‌های شاخص پست مدرن خاکستری تبدیل شد. گواتمی و هیداک هر دو تا پایان عمر خود کمابیش به پست مدرن سفید متعهد ماندند، ولی چهره شاخص این سبک ریچارد میر است؛ او کماکان پروژه‌های خود را بر اساس اصول پست مدرن سفید طراحی می‌کند. (قبادیان، ۱۳۹۳). در ادامه به معرفی هر یک از این پنج معمار و آثار شاخص آن‌ها در این سبک پرداخته می‌شود.

۳-۴-۱- پیتر آیزنمن

آیزنمن بیش از هر معمار دیگری به دنبال نزدیک کردن معماری و فلسفه به یکدیگر بود. اعتقادات وی همسو با فیلسوفانی چون نیچه، هایدگر، چامسکی، الکان و به ویژه ژاک دریدا بود. او همواره به دنبال آزادی و استقلال در معماری بود و می‌کوشید تا به فرم آزاد از تمام جهات دست یابد و تلاش داشت تا مفاهیم و فضاهای جدید در معماری پدید آورد. دوران حرفه‌ای آیزنمن به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود که عبارتند از:

دوره اول: معماری مقوایی

دوره دوم: معماری دیکانسترکشن

دوره سوم: معماری کامپیوتری (زین العابدین،

صحابی، ۱۳۹۵)

اولین دوره آثار آیزنمن به عنوان معماری مقوایی شناخته می‌شود که آثار پست مدرن سفید او نیز در همین دوره قرار گرفته و با همین فلسفه پیش رفته است. آثار مهم او در این دوره خانه های ۱ تا ۱۰ است که از مشهورترین آن‌ها، می‌توان خانه شماره ۶ را نام برد. (تصویر شماره ۱).



تصویر ۱- خانه شماره شش (مأخذ: Archdaily, ۲۰۱۰)

۳-۴-۲- مایکل گریوز

گریوز در دهه ۱۹۷۰ رفته رفته از مدرنیسم فاصله گرفت و تأکیدی خاص بر رنگ داشت. وی در دهه ۱۹۸۰ یکی از پیشروترین معماران پست مدرن بود. از نظر او «پست مدرن نزول اثر تا حد برداشتها و تقلیدهای هنری و کپی کاری‌های سطحی همراه با انتشارات تاریخی، هماهنگی و تطابق ساده انگارانه است.» (گلدبرگر، ۱۹۹۶) در بررسی خانه هانسلمن (تصویر شماره ۲) که یکی

از آثار این معمار در سبک پست مدرن سفید است، به نظر می‌رسد که این خانه از دید پرنده، یک الماس درخشان در طبیعت است. ساختمانی سفید به مانند ساختمان‌های مدرن و در عین حال انسان محور که آن را تبدیل به پست مدرن می‌کند. کارفرما در این پروژه سه نیاز داشته است: ۱- بالکن سراسری ۲- ورود و خروج به خانه در سایه صورت گیرد. ۳- طبقه‌ی اول دارای یک ورودی مجزا باشد. (سرداری، ۱۴۰۰)



تصویر ۲- خانه هانسلمن (مأخذ: Architectmagazine, ۲۰۱۷)

۳-۴-۳- چارلز گواتمی

آثار چارلز گواتمی به لحاظ ویژگی‌های ساختی متأثر از میس وندروهه بود و می‌توان گرایشات تندیس‌گراییانه را در آثارش مشاهده نمود. (کامل نیا، مهدوی نژاد، ۱۳۹۵). از آثار مهم چارلز گواتمی می‌توان به سکونت‌گاه بریج همپتن و خانه و استودیو گواتمی (تصویر شماره ۳) اشاره کرد. گواتمی در سال ۱۹۶۵ زمانی که هنوز یک معمار تازه‌کار بود دست به طراحی خانه و استودیو برای والدینش زد. این خانه در سایتی

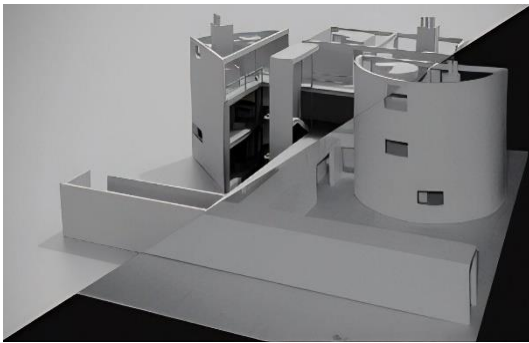


تصویر ۳- استودیو گواتمی (مأخذ: Archdaily, ۲۰۱۰)

بکر و با چشم اندازی رو به اقیانوس در جزیره لانگ آیلند طراحی و ساخته شد. گواتمی این پروژه را مانند یک مجسمه در میان سایت قرار داد. از این رو می‌توان دید که حجم این بنا شامل اشکالی هندسی با برش‌های خاص می‌باشد. این برش‌ها برای برآوردن نیازهای کاربری، جهت تابش نور خورشید و ضروریات سازه زده شدند. (آیزنمن، گریوز، گواتمی، هیداک، میر، ۱۳۹۱)

۳-۴-۴- جان هیداک

از آنجایی که تعداد کمی از آثار هیداک به مرحله ساخت رسیدند می‌توان طرح‌های او بر روی کاغذ را دلیل شهرتش دانست. از



تصویر ۴- خانه یک دوم (مأخذ: Archdaily, ۲۰۲۱)

جمله این طرح‌ها می‌توان به خانه یک دوم اشاره کرد. (تصویر شماره ۴) وی میدعی شیوه طراحی «مربع نه بخشی» است. درست زمانی که اغلب معماران غرق در سبک معماری سفید بودند، هیداک با استفاده از رنگ، از بقیه فاصله گرفت. او از اولین کسانی بود که فرم و رنگ را از اجزای جدایی ناپذیر شفافیت در معماری می‌دانست. مسیر طراحی‌های هیداک از انتزاع به واقعیت بود و بیش از هر چیزی به اصل هویت و اصالت اثر تاکید داشت. (ولی، سیفی کرده ده، ۱۳۹۵)

۳-۴-۵- ریچارد میر

جوان‌ترین برنده عنوان پریترکر و اصلی‌ترین معمار پست مدرن سفید ریچارد میر است که برخی از محققان وی را شوالیه سفید پست مدرنیسم می‌نامند. اولین کار طراحی وی بخشی از خانه والدینش بود، او سپس به عضویت گروه پنج معمار نیویورکی درآمد. (مرادی، خانلو، ۱۳۹۵)

میر بزرگترین مقلد لوکوربوزیه بود. ویژگی مشترک کارهای او تندیس‌گرایی در فضا است. از اولویت‌های طراحی او نور و فضا می‌باشد به طوری که فضاهایی که با نور و مقیاس انسانی تعریف شده‌اند را برتر از فضاهای گنگ و بدون مقیاس می‌داند. ریچارد میر پس از کسب جایزه پریترکر به عنوان جوان‌ترین معمار برنده این مسابقه، خود را به همگان اثبات کرد. پس از کسب این جایزه، پروژه‌های مهمی به وی واگذار شد که می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را مرکز گتی لس‌آنجلس دانست. (کامل‌نیا، مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۵). میر در تحلیل‌هایش همیشه بر پنج عامل مهم تاکید داشت: برنامه، محوطه، ورودی، سیرکوالسیون و سازه. (توکلی دارستانی، ۱۳۹۳). ریچارد میر اندیشه‌های خود را وامدار معماران مدرن بزرگی چون لوکوربوزیه دانسته و می‌گوید: «این روزها معماران را چنین قلمداد می‌کنند: پست مدرنیسم، مدرنیسم، نئومدرنیسم و دیکانستراکتیویسم. من ترجیح می‌دهم از تمام این‌ها که تمرکز مرا در هر جا از واقعیت و مسائل مربوط به معماری امروز برهم می‌زند، دوری کنم. بی تردید امروزه تمام فعالیت معماران تحت تأثیر مدرن‌گرایی لوکوربوزیه، آلتو، ون د روهه و گروپوس است و ظاهراً من استثنا نیستم.» (بالزر، ۱۳۸۵). او در تعریف اصول معماری خود می‌گوید: «معماری من، توجه به فضا است؛ البته فضایی دارای نظم و با در نظر گرفتن نور، معیارهای انسانی و فرهنگ معماری،

نه فضایی بی‌تناسب. دغدغه اصلی من، ساخت فضا، دست بردن در حجم سطح و شکل و نورپردازی فضا بوده است. او هدف خود را در طراحی و ساخت آثارش ایجاد نظم عنوان کرده و می‌گوید: «هدف من دریافت و بازتعریف مفهوم نظم است. او به خلوص و ناب بودن فرمایش اشاره داشته و می‌گوید: «من با سطح، حجم و شکل‌ها در نور، تغییرات مقیاس حرکت و سکون سر و کار دارم؛ اولین اصل نظام من، خلوص و ناب بودن است که بخشی از تمایز ذاتی ساخته بشر و طبیعت را شامل می‌شود.» (بالزر، ۱۳۸۵). از آثار ارزشمند ریچارد میر می‌توان به خانه اسمیت، خانه داگلاس، کلیسای جویلی و مرکز آنتنوم اشاره کرد. (کامل‌نیا، مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۵)

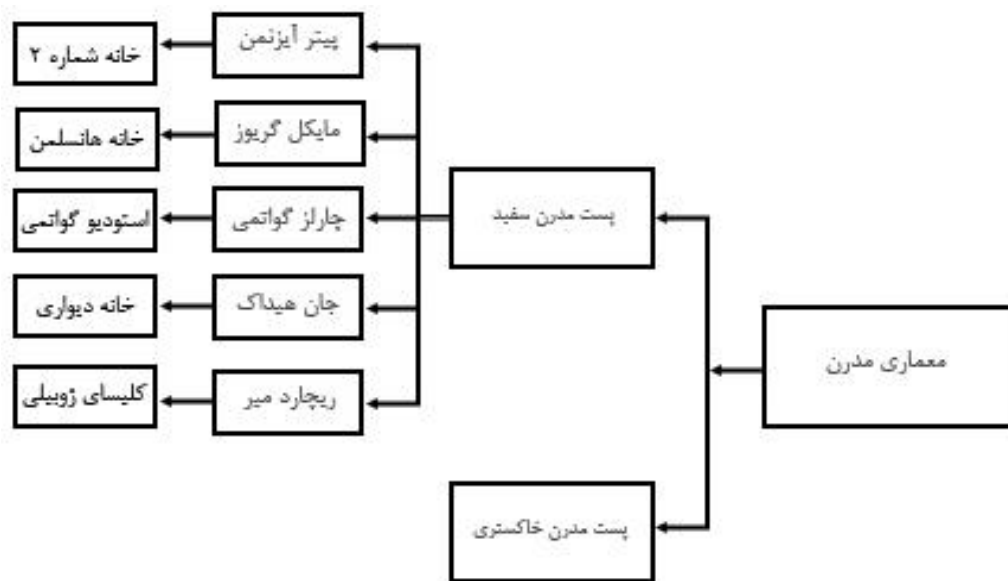


تصویر ۵: کلیسای ژوبیلی (مأخذ: Archdaily, ۲۰۰۹)

کلیسای ژوبیلی را می‌توان یکی از شاخص‌ترین آثار میر دانست. (تصویر شماره ۵) این کلیسای سفید رنگ، با فرمی متفاوت و مدرن شامل سه پوسته بتنی است که نمادی از تثلیث در مسیحیت بوده و به نوعی مردم‌گرایی سبک پست مدرن را در این سه پوسته به نمایش می‌گذارد. در فضای داخلی نیز این مردم‌گرایی و احترام به کاربری فضا کاملاً به چشم می‌آید؛ جایی که ترکیب نورهای طبیعی دریافتی از خورشید با دیوارهای سفید رنگ کلیسا فضایی روحانی را ایجاد کرده است.

۴- نتیجه‌گیری

با افول معماری مدرن جریان جدیدی به نام پست مدرن به منظور رفع ایرادات وارده به مدرنیسم، به رهبری رابرت وینچوری پدید آمد. از جمله انتقادات اساسی وارد بر مدرنیسم را می‌توان، یکسان بودن فرم احجام آن در همه‌ی نقاط جهان، بی‌توجهی به فرهنگ، آداب و رسوم، تاریخ، اقتصاد، اجتماع، اقلیم مردم یک منطقه دانست. پست مدرنیسم با تأکید بر شناخت واقعی مردم و جوامع مختلف و خواسته‌های آنان پا به عرصه گذاشت. از این رو تاثیرگذاری بر زندگی مردم و اندیشه‌های اقشار مختلف، بر روند طراحی و در پی آن سبک نهایی این معماری همواره تاثیر داشته است و در نهایت از تک وجهی بودن طراحی آن کم شده و به چند وجهی شدن می‌رسد. همزمان با جریان معماری پست مدرن که به آن پست مدرن خاکستری نیز می‌گویند، جریان دیگری توسط پنج معمار به نام‌های پیتر آیزنمن، مایکل گریوز، چارلز گواتمی، جان هیداک، ریچارد میر پدید آمد که از آن به عنوان پست مدرن سفید یاد می‌شود. همان‌طور که از نام این سبک پیدا است؛ این نوع معماری با درهم آمیختن ساختمان‌های سفید رنگ معماری مدرن و فلسفه‌ی معماری پست مدرن به فرم‌های جدیدی دست پیدا کرد که همانند ساختمان‌های لوکوربوزیه، همچون نگینی سفید در طبیعت می‌درخشند و در عین حال فرم و کانسپت تشکیل خود را در تعامل با مردم و در جهت تأمین نیازهای مختلف آنان می‌بینند.



نمودار ۱: پست مدرن سفید، معماران و آثار شاخص آنان

پست مدرن سفید بر خلاف خاکستری چندان همه گیر نشد. از جمله دلایل این امر را می‌توان اتفاقات ذیل دانست: پس از مدتی کوتاه پیتر آیزنمن به سمت معماری دیکانستراکشن و فولدینگ رفت و طراحی‌های خود را با این فلسفه ادامه داد. مایکل گریوز نیز، با تغییر موضع، به پست مدرن خاکستری گروید. چارلز گواتمی و جان هیداک اگرچه به پست مدرن سفید متعهد ماندند اما آثار آنان هیچ‌گاه نتوانست در سطح جهانی مطرح شود. تنها معماری که آثارش در این سبک به عنوان آثار شاخص معماری جهان شناخته می‌شود و همچنان طرح‌های خود را با پایبندی به اصول این سبک طراحی می‌کند، ریچارد میر است که با آثاری نظیر کلیسای ژوبیلی و موزه هنرهای عالی آتلانتا، توانسته این سبک را جاودان کند. در نمودار شماره ۱ مختصراً نام این پنج معمار و یکی از آثار شاخص آن‌ها ذکر شده است.

منابع

۱. اسمعیلی مطهره، شاطرزاده علی، (۱۳۹۷)، «بررسی عوامل تاثیرگذار بر رویکرد معماری پست مدرن در معماری معاصر ایران»، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و مدیریت توسعه شهری در ایران، تهران.
۲. آیزنمن پیتر، گریوز مایکل، گواتمی چارلز، هیداک جان، میر ریچارد، (۱۳۹۱)، «پنج معمار»، چاپ ۱، تهران، علم معمار.
۳. بلازر ورنر، (۱۳۸۵)، «ریچارد میر: ساختن برای هنر-جزئیات»، چاپ ۱، اصفهان، همام.

۴. بهین بهرام، (۱۳۸۰)، «از مدرنیسم به پست مدرنیسم از «تجربید» به «واقعیت» زندگی»، دانشگاه تربیت معلم تبریز، مقاله سیاسی_اقتصادی شماره ۱۶۴_۱۶۳
۵. توکلی دارستانی، سحر(۱۳۹۳)، جستاری در روند طراحی موزه‌های ریچارد میر جز برجسته‌ترین معماران مدرن قرن حاضر اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار، تهران.
۶. جنکز چارلز، (۱۳۹۸)، «روایت پست مدرنیسم: پنج دهه طعنه آمیز و نمادین و انتقادی در معماری»، چاپ ۱، تهران، سیمای دانش.
۷. جودت محمدرضا، (۱۳۸۴)، «تو معماری را ترسیم میکنی ولی من آن را می سازم»، چاپ ۱، تهران، گنج هنر.
۸. حجازی محتبی، مهدی نیا طبری سیدعلی، شیرچی گلنوش، (۱۳۹۴)، «بررسی رنگ سفید در معماری مدرن و نئومدرن»، کنگره بین المللی پایداری در معماری و شهرسازی معاصر خاورمیانه.
۹. زین العابدین الیا، صحابی مریم، (۱۳۹۵)، «بررسی اندیشه های معماری پیتر آیزمن»، سومین کنفرانس سراسری توسعه محوری مهندسی عمران، معماری، برق و مکانیک ایران، گرگان.
۱۰. سرداری مازیار (۱۴۰۰)، «کلاس درسی سبک شناسی معماری»، سخنی پیرامون معماری پست مدرن، بهار ۱۴۰۰.
۱۱. فخری سینا، انصاری منش مریم، (۱۳۹۹)، «مقایسه تطبیقی سبک های معماری پست مدرن سفید و پست مدرن خاکستری»، ششمین کنفرانس بین المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری، مدیریت شهری و محیط زیست، کرج.
۱۲. قبادیان وحید (۱۳۹۳)، «مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب»، چاپ ۲۷، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
۱۳. کامل نیا حامد، مهدوی نژاد محمد جواد، (تهران)، «آشنایی با معماری معاصر از شرق تا غرب»، چاپ ۵، تهران، علم معمار.
۱۴. مرادی مریم، خانلو نسیم، (۱۳۹۵)، «بررسی و تحلیل معماری پست مدرن در آثار ریچارد میر»، کنفرانس سالانه علمی- تخصصی عمران، معماری، شهرسازی و علوم جغرافیا در ایران باستان و معاصر، تهران.
۱۵. ولی انسیه، سیفی کرده ده نسترن، (۱۳۹۵)، «مقایسه تطبیقی آثار بهرام شیردل و جان هیداک به منظور ارائه راهکارهایی برای توجه به زمینه‌گرایی در معماری معاصر»، سومین کنفرانس علمی پژوهشی افق‌های نوین در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی معماری و شهرسازی ایران، تهران.
16. Ayoubi Ayda, (2017). Architect Michael Graves' First Commission Hits the Market, Architectmagazine.
17. Best Steven, Kellner Douglas, (1997).The Postmodern Tur.
18. Childs.P.(2008). "Modernism" publisher, New York.
19. Connellan, k, (2012). The Social Politics of White in Design Color and Design.
20. Goldberger, Paul (1996). Architecture view; a little book that led five men to fame.New York Times, New York.
21. Perez Adelyn, (2010). AD Classics: House VI / Peter Eisenman, Archdaily.
22. Tras. P. Morton Shand (1965). The New Architecture and the Bauhaus.Faber and Faber, London.